

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۱۶

ایسکرا

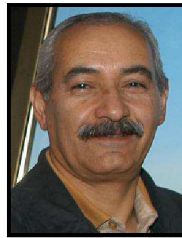
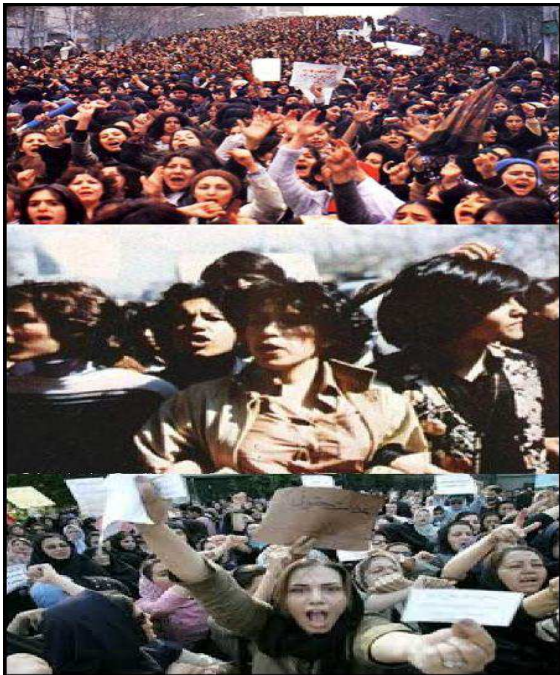
Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۷ اسفند ۱۳۹۲، ۲۶ فوریه ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

## سخنی با فعالین بمناسب ۸ مارس روز جهانی زن گفتگوی ایسکرا با عبدال گلپریان

صفحه ۳



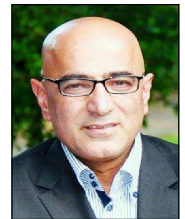
**ایسکرا:** در مورد نقش فعالین دفاع از حقوق زن در رابطه با چگونگی برگزاری مراسمهای ۸ مارس روز جهانی زن، خواستم بجای پرداختن به خود ۸ مارس مقداری مشخص تر در مورد نحوه برگزاری این مراسمها صحبت کنیم، ابتدا بد نیست بعنوان مقدمه به این اشاره

صفحه ۳

## حق حیات! اسلحه شکار شکسته! پایین کشیدن طناب اعدام!

جمع کثیری از دوستان و محافظان محیط زیست، اسلحه شکسته آقای احمد عزیزی در ویترونی به نمایش در آمد..... و در مراسمی دیگر از معلم دلسوز محمد علی تجلیل به عمل آمد. اینکه اسلحه شکار شکسته شده جای بسی خوشحالی است. شکار آهو، روباه، خرگوش و کبوتر و هر نوع دیگرش عملی ناشایست و قبیح است. هر اقدامی در این رابطه و الگو کردن شکستن اسلحه شکار نیز بسیار خوشایند است. اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری جنایتکار اسلامی دسته دسته انسانها را از زندان به پای جوخه های اعدام میبرند. در سه ماه گذشته بیش از ۱۰۰ نفر را حلق آویز

صفحه ۲



نسان نودینیان ایرنا گزارشی را از دو مراسم در روستای درکی از توابع شهرستان سروآباد منتشر کرده. در این مراسم از احمد عزیزی و محمد علی محمدیان تقدیر شد. در این مراسم که با حضور چندین انجمن زیست محیطی استان کردستان و همچنین روسا و جمعی از پرسنل ادارات محیط زیست و منابع طبیعی، اهالی روستاهای اورامان و مریوان و

## هشت مارس روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی

صفحه ۷

### دفاع از آزادی بیان مردم یا حکومت؟

محمد آسنگران  
صفحه ۵

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق  
اعتراض دهها نهاد و بیش از ۳۰۰ نفر از مدافعین حقوق زنان  
به کنفرانس مخفیانه در مورد حقوق زنان در اربیل!



در نامه ای سرگشاده خطاب به رئیس پارلمان اروپا آقای مارتین شولتس، ۱۳ نهاد و سازمان، همراه با نزدیک به ۳۰۰ نفر از فعالین سیاسی و مدنی در کردستان

صفحه ۲

## آیا آخرین شبی است که در کنار هم هستیم!



مربوان آماده باش است!

### لقمان مرادی در بیمارستان است!

سعید غفاری مزدور رژیم در رجایی شهر:  
من زندانی تک زده ام که سه روز بعد مرده هیچکس هم نتوانسته کاری بکند!

صفحه ۴

## نگاه هفته مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

زنان تبدیل شده.



یدی محمودی

عراق به بی حقوقی زنان اعتراض کردند. این نهادها و فعالین در نامه اشان اشاره کرده اند، که در اواخر ماه ژانویه کنفرانسی با شرکت نماینده پارلمان اروپا در شهر اربیل برگزار شده که در آن به غیر از احزاب حاکم در کردستان عراق و بویژه حزب دمکرات، هیچ یک از سازمانها، نهادها و فعالین حقوق زنان شرکت نکرده و این در حالی است که کردستان عراق تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد به قتلگاہی برای

## جانباختن کارگری ۲۳ ساله در حین کار!

روز شنبه ۲۳ فوریه در حاجی آباد منطقه بیتوبین یک کارگر ۲۳ ساله که در یک کارگاه بلوک زنی مشغول به کار بود جانش را از دست داد. بنا به اخبار منتشر شده خانواده این کارگر ۲۳ ساله اجازه بردن جنازه فرزندشان به پزشک قانونی را نداده اند، اما نا امنی محیط کاری یکی از دلایل عمده جانباختن کارگران است. کردستان عراق این بهشت بورژوازی کرد، برای آنها سفره هفت رنگی پهن است که بخاطرش چه جنگها و بی حقوقی به مردم تحمیل نکرده اند، اما در مقابل در کنار تحمیل فقر و بی حقوقی به اکثریت جامعه تنها در یک سال گذشته ۹۰ کارگر در

مناطق تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد بدلیل نا امنی محیط کار جانشان را از دست داده اند.

## سه سال از اعتراض ۶۲ روزه مردم شهرهای کردستان عراق، علیه احزاب ناسیونالیست حاکم گذشت!

سه سال پیش در چنین روزهای اعتراض مردم بسیاری از شهرهای کردستان عراق به دزدی و چپاول اتحادیه میهنی و حزب دمکرات شروع شد که به مدت ۶۲ روز ادامه یافت و در نهایت احزاب حاکم تنها با زور اسلحه و به رگبار بستن صف مردم و حمله به معترضین توانستند به این اعتراضات خاتمه دهند، که در این حملات وحشیانه به مردم بی دفاع ده نفر کشته و بیش از ۴۰۰ نفر زخمی شدند. در سومین سالگرد این اعتراضات ۱۷ سازمان و نهاد نامه ای خطاب به پارلمان سوئد نوشتند و

در آن خواهان این شدند که، پارلمان سوئد برای پیگیری و تحقیق در باره جنایت احزاب حاکم در کردستان عراق، علیه مردم معترض و کشتار آنها دست به اقداماتی بزند و از جمله خواهان دستگیری و محاکمه کسانی شوند که سه سال پیش در چنین روزهای تظاهرات و اعتراض مردم معترض را به رگبار بستند. همچنین بر اساس گزارش حزب کمونیست کارگری کردستان در استرالیا نیز مراسمی در سومین سالگرد اعتراضات مردم برگزار شده، که در آن نمایشگاه عکسی از جنایتهای احزاب حاکم به نمایش گذاشته شده است.

## دخالت سفیر حکومت اسلامی در عراق برای حل بحران داخلی اتحادیه میهنی؟

روز شنبه ۲۲ فوریه سفیر رژیم اسلامی در عراق با جناحهای درگیر اتحادیه میهنی و برای پایان دادن به

بحران داخلی این حزب با کوسرت رسول علی و به ره م صالح ملاقات کرد. بنا به اخبار منتشر شده این دومین بار است که سفیر رژیم برای "حل بحران اتحادیه میهنی به کردستان عراق می رود" هفته پیشتر نیز او با جناحهای درگیر در اتحادیه میهنی و همچنین مسعود بارزانی ملاقات کرده بود.

نکته قابل توجه در این خبر این است که، این ملاقاتها و تلاشهای سفیر رژیم جنایتکار اسلامی در عراق تنها نشانه سرسپردگی احزاب ناسیونالیست کرد و از جمله اتحادیه میهنی به یکی از جنایتکارترین حکومتهای تاریخ را نشان می دهد، وگرنه همگان با کارنامه سیاه و خونین حکومت دزدان و قاتلان اسلامی در عراق آشنا هستند.

تهیه و تنظیم: یدی محمودی  
yadi.mahmudi@gmail.com

از صفحه ۱

## حق حیات ...

کرده اند. شکار عمل زشتی است. سلب حق حیات است. اعدام قتل عمد است. و گرفتن حق حیات است. در جامعه استبداد زده و فاشیستی

دفاع میشود. بر مراتب باید برای حق حیات انسان هم مسئول و متعهد باشد. اینروزها مردم شهر و روستاهای مریوان در مقابل آزمون بزرگ و تعیین کننده ای قرار گرفته اند. این آزمون دفاع از حق حیات و

زندگی برای «زانیار مرادی» و «لقمان مرادی» است. توقع مردم در شهر و روستاهای کردستان از معلم دلسوز آقای محمد علی محمدیان این است؛ قدرت محبوبیت خود را گسترش داده و با

اقدامات ابتکاری جنبش در دفاع از حق حیات و آری به زندگی را فراخوان داده و در صدر این جنبش خواهان آزادی «لقمان مرادی» و «زانیار مرادی» شوند. زنده باد حق حیات! آری به زندگی!

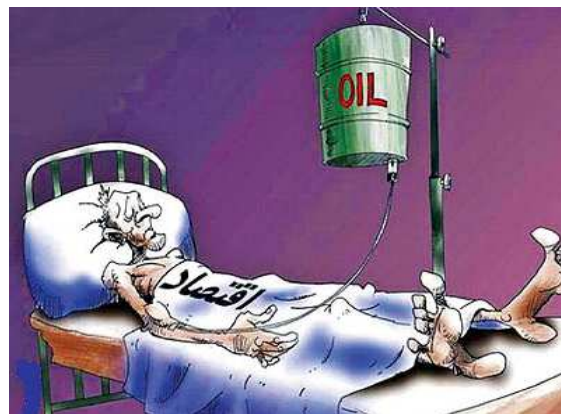
## "اقتصاد مقاومتی" طرحی برای غارت هستی و دست رنج بیشتر نیروی کار

## عبدل گلپریان

علی خامنه ای، به دولت، مجلس و قوه قضائیه اش دستور داده است که سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی را "بی درنگ و با زمانبندی مشخص" اجرا کنند. این سیاستها شامل کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و کاهش هزینههای عمومی است. خامنه ای این سیاست اقتصادی را که روز چهارشنبه ۳۰ بهمن در مجمع تشخیص مصلحت نظامش تدوین شده است، به روسای قوای سه گانه و

روز قبل از آن باز گردانند. اگر سرنوشت جامعه در دست خود مردم می بود با نصفی از درآمدهای کنونی حاصل از فروش نفت می شد رفاه عمومی و همگانی را برای بیش از ۷۵ میلیون نفر در ایران فراهم کرد اما وجود هیولایی چون رژیم اسلامی و با وجود فروش میلیونها بشکه نفت و صدور آن به خارج برای پر کردن جیب آیت اله های میلیاردر، کمک به حماس و حزب اله، پادشاه به قاتلان بیش از صد هزار انسان در سوریه و غیره، چرندیات اقتصادی خامنه ای و مجمعش همچنان طرحی برای حاکم کردن فقر و تباهی بیشتر، سفت کردن کمریندها و فلاکت بی حد و حصر بر مردم است. بحران و بن بست جمهوری اسلامی با مکیان هستی و دست رنج مردم و با طرح کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و یا کاهش هزینه های عمومی طرحی برای چپاول

هرچه بیشتر مردم است. بیان مقوله اقتصادی به تن رژیم اسلامی از سرش زیاد است. اینها غارتگران هستی و دست رنج میلیونها مردم کارکنی هستند که تا همینجا و طی بیش از سه دهه از سربرآوردن باندها و دستجات اسلامی و دزدیهای میلیاردی شان جامعه ای را به ورطه تباهی کشانیده اند. رژیم اسلامی وصله ناجوری بر تن جامعه است و موجودیتش عامل اصلی بحرانهای



اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. نظام اسلامی از روز نخست با این بحرانها متولد شد. سرنوشت رژیم اسلامی و برپایی حکومتی انسانی تنها راه قابل علاج در مقابل فلاکتی است که انواع باندهای حکومتی به مردم تحمیل کرده اند.

۲۰ فوریه ۲۰۱۴

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

از صفحه ۱

## سخنی با فعالین

کنید که فضای این دوره و استقبال از ۸ مارس را در مقایسه با سالهای قبل چگونه ارزیابی می کنید؟

## عبدل گلپریان: امسال شرایط

بیش از هر دوران دیگری برای جنب و جوش و بتحرک درآوردن توده وسیعی از مردم و شرکت آنان در روز جهانی زن مهیا است. اعتراض به قوانین و سیاستهای زن ستیز اسلامی و اعتراض به آپارتاید جنسی بیش از همیشه در اعماق جامعه در حال جوشش است. جنبش برابری طلبانه زنان در دل فضای سرکوب و اختناق راههای ابراز وجود خود را پیدا کرده است. از کردستان تا تهران و از دانشگاهها تا کارخانجات و خیابانها، میدان رودررویی زنان و مردان برابری طلب با حکومت و آپارتاید جنسی و کلیه قوانین ارتجاعی و ضد زن اسلامی است. مراسمهای روز جهانی زن تنها گوشه کوچکی از يك جنبش عظیم اجتماعی در ایران است. جنبشی که همراه با جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه بساط حکومت آپارتاید جنسی را در هم خواهد ریخت. اما علاوه بر شرایط و موقعیت اعتراضی در جامعه علیه محرومیتهایی که قوانین حکومت اسلامی به زنان و کل مردم حاکم کرده است، جنبش برابری طلبانه زنان و مردان هیچگاه در مقابل زن ستیزی حکومت اسلامی کوتاه نیامده اند. از این رو و با توجه به فاکتورهای زیاد دیگری فضای اعتراضی در جامعه بسیار بالاتر از هر دوران دیگری است. این فضای اعتراضی و جنب و جوش مبارزاتی مردم بستر بسیار مناسب برای شرکت و برگزاری مراسم ۸ مارس در اشکال اجتماعی و گسترده تری نسبت به سالهای قبل است که می توان تعرضی تر به قوانین و سنتهای زن ستیز اسلامی تعرض کرد.

## ایسکرا: ذکر می کنید رفتن به

استقبال ۸ مارس و برگزاری مراسم ها در این روز در چه شکل و قامتی می تواند و ممکن است آنرا برگزار کرد؟

## عبدل گلپریان: بگذارید اول این

را بگویم که هشت مارس ویژه هیچ

فرد، سازمان، حزب و گروه معینی نیست بلکه روزی جهانی است و اهمیت آن در برگزاری گسترده و اجتماعی آن است. اگر از این زاویه به روز جهانی زن نگاه کنیم تلاش و اقداماتی شکل میگیرد که می تواند هشت مارس شایسته ای را بنمایش بگذارد. هشت مارس يك روز جهانی، سیاسی و اجتماعی است. متأسفانه هنوز افراد، جریانات و یا نیروهای سیاسی مختلفی هستند که این روز یا روزهای مشابه را تنها در دایره محدود فکری و نظری خود و محدود به قشر معینی نگاه می کنند. با توجه به اینکه در سالهای اخیر بدرجات زیادی این طرز نگرش حاشیه ای شده است اما همچنان بعنوان يك درك معین وجود دارد و قادر نشده است که روز جهانی زن را بعنوان يك مسئله عمومی و گسترده اجتماعی ببینند. این درك و این نگرش در موارد معدودی بعنوان ترمز کننده سیمای جهانی و اجتماعی این روز عمل می کند. در همین رابطه بنظر من نکته حائز اهمیت این است که می شود و می توان ۸ مارس را در قامتی اجتماعی و علنی و با حضور فعالین و چهره های علنی و سرشناس در این جنبش برگزار کرد. چهره های رادیکال و چپ که در این عرصه شناخته شده هستند با اسم و رسم خود بعنوان نمایندگان و سخنگویان دفاع از حقوق برابر زنان و مردان ظاهر شوند. در چنین فضا و موقعیتی است که می توان به استقبال هشت مارس روز جانی رفت.

## ایسکرا: در سالهای قبل بعضا

مراسمهایی در خارج از شهر و یا در کوه و دشت برگزار می شد. نظر شما در این رابطه چیست؟

## عبدل گلپریان: ابتدا این را

بگویم که در شهرهای کردستان پیش برد مراسمهای روز جهانی زن در سالنهای بزرگ، در اماکن عمومی و در انظار مردم در خیابان به سنت جا افتاده ای تبدیل شده است اما هنوز کافی نیست و می توان برنامه های این روز را در ابعاد اجتماعی تری برگزار کرد. تلاش برای برگزاری روز

جهانی زن بجز مراسمهای احتمالی دولتی، هیچ مرز و محدودیتی برای شرکت و همکاری مشترک همگان در آن وجود ندارد. در سالهای گذشته هم تا آنجا که فضای اعتراضی امکان داده است این مراسمها بطور علنی برگزار شده است.

بنظر من اکنون دیگر دوره برگزاری روز جهانی زن و یا هر مراسم و مناسبت جهانی دیگر در کوه و کمر بسر آمده است. جمع شدن تعدادی فعال و یا سمپات گرایشات سیاسی در خارج از شهرها هیچ گونه پاسخی به برداشتن گامی نسبت به این روز بشمار نمی رود بلکه اقتناع کردن همان جمع در محافل کوچک و بی تاثیر بدور هم خواهد بود. اوضاع و شرایط امروز با حتی یکسال قبل قابل مقایسه نیست. فضای اعتراضی در جامعه بالا است. و می توان متناسب با این فضا عمل کرد.

جمع شدن محافل در کوه و دشت و بالا بردن چند شعار هیچ خاصیتی برای دفاع از حقوق زن ندارد. اینکه عده ای با سر و چشم بسته و پشت به دوربین چند عکس می گیرند فقط برای راضی کردن جمع و محفل خوشان است و هیچ گلی به سر دفاع از حقوق زن نمی زند. این نوع برنامه های محفلی شبیه اجرای مراسم فرقه ها می ماند و بسیار از اوضاع زمانه عقب است. برای پیشرویهای بیشتر لازم است فراتر از آنچه که امروز به دستاوردی برای این جنبش تبدیل شده است عمل کرد. امنیت و ادامه کاری برگزاری مراسمهای علنی و گسترده بسیار بالا است و این را فعالین علنی کار تجربه کرده اند.

## ایسکرا: یعنی منظور شما این

است که برگزاری مراسم ۸ مارس در خارج از شهرها مطلقاً بی خود و بی خاصیت است؟

## عبدل گلپریان: اگر در روستاها

این مراسم گرفته شود قابل درک است اما در هر روستایی هم مردم می توانند نه در کوه و کمر بلکه در میدان روستا دور هم جمع شوند نه در قله کوهها. رفتن به کوه و کمر برای هیچ ناظری قابل درک نیست که چرا باید آنجاها رفت؟ آیا برای درختان می خواهند تبلیغ کنند و جایگاه ۸ مارس را بیان کنند؟ این

سبک دورانش تمام شده است / حتی در ده سال قبل این مراسمها با تمام محدودیتهايش در سالنها برگزار می شد و اقلاً صدها نفر شرکت میکردند. در مقایسه با ده سال قبل رفتن به کوه يك عقب گرد است و هیچ خاصیتی ندارد.

## ایسکرا: چه خواست و مطالباتی

می تواند در بیانیه های امسال برجسته و پررنگ باشد؟

## عبدل گلپریان: هر سال خواست

و مطالبات برابری طلبانه و نقد عمیق و ریشه ای ستم بر زن در قطعنامه ها گنجانده می شود. طرح رادیکال ترین مطالبات در این قطعنامه ها که بتواند این خواستها را از مطالبات سالهای قبل مجزا کند اهمیت زیادی دارد.

از نظر ما و از نظر همه فعالینی که مثل ما به این روز نگاه می کنند، روز جهانی زن روزی برای ارج نهادن به جایگاه حقوق برابر زن و مرد و تلاش برای بجلو سوق دادن اهمیت اجتماعی و توده ای این روز است و لازم است با چنین درکی به آن نگاه کنند که اهمیت خاص خود را دارد.

آنچه که می تواند گامهای بلندی این روز را بجلو ببرد، می توان آنرا در نکات زیر توضیح داد:

مثلاً از خواست حقوق انسانی برابر در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گرفته تا لغو قوانین زن ستیز، از ایجاد تشکلهای مستقل از دولت و برگزاری تجمع و اعتراض گرفته تا ممنوعیت هر گونه تعرض و آزار جنسیتی، از نقد و محو هر گونه اعمال خشونت آمیز فرهنگ و سنت اسلامی و مردسالارانه گرفته تا طرح خواست و مطالبات اقتصادی برای تامین زندگی زنان بیکار و خانه دار، از لغو قوانین چند همسری گرفته تا لغو قانون تجاوز به کودکان

تحت عنوان "دختر خوانده" و از برسمیت شناخته شدن روز جهانی زن گرفته تا طرح ده ها خواست و مطالبه دیگر، می تواند سر لوحه بیانیه ها باشد.

بنظر من هیچ زمانی تلاش فعالین برای صدور قطعنامه و بیانیه کمبودی نداشته اند. مهم این است که این مراسمها یا برنامه گرامیداشت از روز جهانی زن با همکاری همه جمع ها، نهاد و تشکلهای فی الحال موجود زنان و حمایت و پشتیبانی دیگر تشکلهای بصورت اجتماعی و علنی برگزار شود حتی اگر بیانیه هم صادر نشود ولی همینکه جمعیت وسیعی شرکت داشته باشند اهمیت سیاسی و اجتماعی آنرا صدها برابر بالا می برد.

ایسکرا: با توجه به نکاتی که اشاره کردید چه پیشنهاد یا توصیه مشخصی برای تمام فعالین دفاع از حقوق برابر زن و مرد و با توجه به تفاوت درگرایشات فکری آنها دارید؟

## عبدل گلپریان: رسالت برجسته

فعالین دفاع از حقوق برابر زنان و مردان در این است که فارغ از هر گونه تعلق سیاسی و حزبی تلاش کنند نیروی هر چه بیشتری را حول این روز فرا خوانده و سازمان دهند.

خود محور بینی و یا حزب و سازمان محوری در برخورد به ۸ مارس خطای فاحشی خواهد بود که نه تنها نیروی وسیع و قدرتمندی را به میدان نخواهد کشید بلکه در همان محدوده خود نیز قادر به ایفای نقش برای انجام چنین برنامه ای نخواهد شد. برگزاری مراسم ۸ مارس در هر شکل و شمایل و با شرکت دادن توده هر چه بیشتری از زنان و مردان کار و امر فعالین این عرصه و عرصه های مختلف اجتماعی است.



۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳  
 ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۴۶۹  
 ۰۰۴۴۷۷۱۹۱۶۶۷۲۱

مینا احدی  
 کوان جاوید  
 مرم نمازی

آدرس پستی

Maryam Namazie  
 BM BOX 1616, London WC1N1XX UK  
 Email: fitnah.movement@gmail.com  
 Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk  
 Website: www.fitnah.org  
 Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

## آیا آخرین شبی است که در کنار هم هستیم!

به ما میگویند، پسر عمو، بسیاری ما را برادر هم میدانند، نام فامیل ما یکی است مرادی و اسم من زانیار و اسم او لقمان، اما شاید یکی از عمیق ترین پیوندها را باهم داریم، زندگی ما بهم وصل شده است. دیگران میگویند پرونده اینها به هم مربوط است و من میگویم

میکنند به این واقعه به این فاجعه نزدیک شود و صدای قلب من و این هم پرونده ای را م تصویر کند و خود از فرط ناراحتی و یا عجز و یا خشم دیوانه نشود.

این چه سرنوشتی است برای دو جوان که میتوانستند امروز دیسکو بروند و برقصد ، این چه سرنوشتی است، مقصر کیست که من و او سالها زیر یک سقف زندانی بوده ایم و

امشب نمیدانیم چه بگوییم و چه بکنیم. چون قرار است تا چند ساعت دیگر او را ببرند.

یک چیز مهم است ما نباید روحیه خودمان را از دست بدهیم. قرار است او را ببرند، من چه میشوم. این چه سناریویی است . از بلندگو گفتند برای دادگاه میروید، آیا واقعا دادگاهی میشود چرا تنها ؟ این چه نقشه ای است که کشیده اند.

من امشب با این "هم پرونده ای" و یا همزاد خودم بیدار خواهم ماند، شما هم اگر میتوانید هر کاری که میتوانید انجام دهید . نگذارید ما را بکشند. این تنها خواست ما است. ما دو نفر که سرنوشت امان چنین عمیق بهم گره خورده است!

باز تکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام

## لقمان مرادی در بیمارستان است!

لقمان مرادی امروز دوشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۹۲ در بیمارستان بود، او به همراه مامور شاهرادی به بیمارستان رفته بود و می بیند که قبل از آنها سعید غفاری یکی از مزدوران رژیم که روز یکشنبه لقمان را با مشت و لگد چنان کتک زده که او دچار خونریزی مجاری ادراری شده، در بیمارستان حاضر است. او به لقمان میگوید من ترا نزد، ما فقط خواستیم لباس را عوض کنیم. به پزشکان اینجا بگو که این خونریزی در اثر ضربه و کتک کاری نبوده است. لقمان میگوید نه تو با لگد به قفسه سینه ام زدی و من بیهوش شدم. اینرا دیگر نمیتوانی انکار کنی. شما سه نفر چنان مرا کتک زدید که سر و صورتم خونین شد و دنده هایم ضربه خورده و اکنون به زحمت راه میروم. او پاسخ میدهد بهتر است بگویی ما زده ایم

لقمان مرادی روز یکشنبه ۴ اسفند ماه ساعت ۶ برای انتقال به دادگاه فراخوانده شده بود. او ساعت شش و نیم در محوطه زندان مشغول جر و بحث با مسئولین زندان بود. او نمیخواست با لباس زندان به دادگاه برود و به آنها گفته بود: من یک زندانی سیاسی هستم و میخواهم با

لباس شخصی خودم دادگاه بروم و نه لباس اونفورم زندان. اول محسن منصوره ای او تذکر میدهد و سپس ستوان یکم رضا یوسفی می آید و در نهایت سعید غفاری هر سه میریزند روی سر لقمان او را کتک میزنند چنان زیر مشت و لگد بوده که بیهوش میشود . سه مزدور حکومت میگویند مردانی رئیس زندان به ما گفته به زور لباس تن تو بکنیم باید با لباس زندان به دادگاه بروی. لقمان گفته بود اگر لباس زندان میخواهید بر تنم کنید اصلا دادگاه نمیروم. مرا به سلول برگردانید. در نهایت بعد از کتک زدن و خونین کردن لباس لقمان، یکی از مزدوران داخل بند رفته و به هم بندیهای او دروغی تحویل داده و لباس تمیز می آورد " هوا سرد است، لقمان یک یک دست لباس دیگر میخواهد " و با این حالت لباسهای خونین لقمان را از تنش در آورده و لباس تمیز بر تن او میکنند

مزدوران در این مورد شکست خورده و کوتاه می آیند. لقمان با لباس معمولی به دادگاه میرود. در دادگاه فقط از او پرسیده اند آیا وکیل دارد یا وکیل تسخیری میخواهد به او گفته اند که پرونده آنها در دادگاه کیفری استان شعبه ۷۴ مورد رسیدگی مجدد قرار خواهد گرفت و او را برگردانده بودند. ساعت دو و نیم بعد از ظهر به وقت تهران او به زندان برمیگردد، سپس با پزشک قانونی و بهداری رجایی شهر حرف زده و صورت جلسه میکند که گردن، صورت، و قفسه سینه اش مورد ضرب و شتم قرار گرفته و در بهداری از او آزمایش ادرار میکنند. پزشک بهداری زندان میگوید در ادرار شما خون هست و احتمالا کلیه و یا مثانه شما آسیب دیده و خونریزی دارد . امروز دوشنبه لقمان به بیمارستان امام خمینی اعزام میشود. مزدوران

وحشت دارند که باعث مرگ یک زندانی بشوند و موجی از اعتراض در همه جا به این جنایت در رجایی شهر راه بیفتد.

در بیمارستان امام خمینی پزشکان تایید کرده اند که در ادرار لقمان خون هست و این خونریزی بدلیل ضربات وارده دیروز به بدن او است. او اکنون کوفتگی شدید دارد، نمیتواند از دیروز غذا بخورد و مشکل تنفسی دارد و قرار است فردا سه شنبه نیز برای کنترل و معالجه به بیمارستان اعزام شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام این رفتار وحشیانه و غیر انسانی مزدوران حکومت اسلامی با زندانیان را بشدت محکوم کرده و خواهان اعتراض بین المللی به این وحشیگریهای مزدوران حکومت اسلامی است.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۴ فوریه ۲۰۱۴

## مریوان آماده باش است!



مردمی که در جریان کمپین نجات زانیار و لقمان مرادی این دو جوان را می شناسند، دامن زده است.

روز گذشته مهوش عباسوندی مادر دو جوان اعدام شده در ایران محمد و عبدالله فتاحی و مسئول نهاد مادران علیه اعدام با انتشار

به محض پخش خبر احتمال اجرای حکم لقمان مرادی و اعلام انتقال او ساعت ۶ صبح رو ز یکشنبه ( امروز ) به بهانه دادگاه ، موجی از نگرانی و اضطراب را در بین خانواده این دو جوان و مردم مریوان و شهرهای کردستان و همه

یک اطلاعیه از همگان خواست به این حکم اعتراض کنند. نهادهای متعدد علیه اعدام خیر احتمال اجرای حکم اعدام زانیار و لقمان را وسیعا پوشش خبری داده اند.

افسانه وحدت از نهاد کودکان مقدمند، روز گذشته به محض پخش خبر احتمال اجرای حکم اعدام لقمان مرادی با وزارت امور خارجه سوئد تماس گرفته و از آنها خواست فوراً با جمهوری اسلامی ایران تماس گرفته و به این حکم اعتراض کنند.

برخی از سایتها نوشتند: زانیار و لقمان خط قرمز ما هستند، در مریوان مردمی که خانواده های زانیار و لقمان را می شناسند و همچنین شاهدینی که اعلام کرده اند، در جریان قتل پسر امام جمعه مریوان شاهد حضور افراد دیگری در

محل واقعه بوده اند، و با شهادت خود میتوانند اثبات کنند قاتلین کسان دیگری هستند، روز گذشته مجدداً باهم صحبت کرده و به خانواده این دو محکوم به اعدام گفته اند حاضرند در هر دادگاهی شهادت دهند!

موضوع رسیدگی به پرونده قتل پسر امام جمعه مریوان و محکومیت به اعدام زانیار و لقمان مرادی سند آشکار افشاکننده دستگاه قضایی حکومت اسلامی است. دستگاهی فقط برای جنایت و اعدام، با بی رحمی و سببیت کامل. رژیم اسلامی در حالیکه روزانه در ایران تعداد زیادی را میکشد این بار سراغ یک پرونده آمده است که برای بسیاری خط قرمز است.

## مردم آزاد مریوان!

دو فرزند شما در خطر اجرای حکم اعدام هستند... بپا خیزید و برای نجات جان این دو جوان هر کاری که میتوانید انجام دهید.

مردم آزاده ایران، نهادهای علیه اعدام، احزاب سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی!

بر علیه جنایات حکومت اسلامی و برای نجات جان زانیار و لقمان مرادی متحدانه به پا خیزیم!

زنده باد جنبش علیه اعدام  
کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۳ فوریه ۲۰۱۴

## دفاع از آزادی بیان مردم یا حکومت؟



محمد آسگرنار

شنیدم. این يك خواب و یا كابوس و یا شوخی و مزاح بیمزه با اعتراضات مردم علیه حکومت و صدا و سیما نیست. این بخشی از واقعیت تلخ و سرنوشت زاری است که این روزها در گوشه ای از صف اپوزیسیون آن هم سمت چپ آن شنیده میشود. به همان صراحتی که دوره ای این نوع چپ فرمان دفاع از میهن و شرکت در جنگ ایران و عراق را داد و حمایت از دولت خودی و علیه بیگانه به بهانه حفظ خاك و استقلال کشور توجیه میشد. امروز وطن و استقلال کشور جایش را به آزادی بیان رسانه دولتی داده است.

امروز "دفاع از آزادی بیان" پرچمی است که این چپ به بهانه آن کل اعتراض مردم را قوم پرستی و اقدام رسانه دولتی را عین آزادی بیان قلمداد میکند. نوشتند و گفتند که درست است مردم مشکل دارند ولی در این مورد گول خورده اند و دارند آزادی بیان يك رسانه را نقض میکنند پس اعتراض مردم قوم پرستی و ارتجاعی است!! کسی که دهها هزار نفر انسان معترض مدرن و مترقی این مناطق را به صرف اعتراض علیه يك رسانه دولتی به قوم خاصی منتسب میکند و آنها را قومپرست میدانند، آگاهانه یا نا آگاهانه دارد همان سیاست تفرقه افکنانه دولت حاکم را باد میزند.

اولا مردم منتسب به بختیاری همانند بخشهای دیگر مردم ایران اولین بار نبود که از سوی يك رسانه معلوم الحال حکومت اسلامی و مهمترین رسانه این حکومت مورد تحقیر قرار می گرفتند.

دوما هیچ رسانه آزاد و مستقلی در کشور وجود ندارد که مردم ناراضی و یا منتقدان چنین برنامه هایی به نقد و بررسی مسایل مورد علاقه خود بپسرازند. ثالثا در این مورد مشخص نمونه هایی از توهین و تحقیر در رسانه ای دولتی منتشر شده است و بی پاسخ مانده است که با تلنبار شدن آنها بر روی هم، روزی به حد انفجار رسید و مردم به خیابان آمدند.

طبق گزارشات منتشر شده و با استناد به سریالهایی که از تلویزیونهای دولتی پخش شده اند بارها موضوع توهین و تحقیر مردم منتسب به بختیاری تکرار شده است و مردم امکانی برای بیان نظر و تفسیر خود نداشته و ندارند. بویژه با دیدن و شنیدن توهین و بیان تحقیر آمیز در سریال "سر زمین کهن" بالاخره این مردم کاسه صبرشان لبریز شد و به خیابان آمدند.

اینجا دیگر مهم نیست که این مردم خود را بختیاری بدانند یا ندانند و قتیکه مخاطب این دیالوگ "بختیاریها" است عملا مردم آن مناطق خود را در معرض تحقیر و توهین میدانند. برای مثال وقتی که در این سریال با تحقیر گفته میشود: "به چه چیز خودتان افتخار می کنید؟ به کدام اصل و نسب؟" "بختیاریها چگونه بختیاری شده اند و... دیگر يك خانواده و فرد مشخص مورد خطاب نیست، بلکه مردم منتسب به بختیاری مورد خطاب و بی اصل و نسب معرفی میشوند. گوشه ای از دیالوگ سریال "سرزمین کهن" چنین است: "به چه چیز خودتان افتخار می کنید؟ به کدام اصل و نسب؟ به سر پا گرفتن سگ های انگلیسی و کاسه لیبسی کنسول انگلیس؟ می خواهید فردا سر کلاس برای بچه ها قصه اینکه بختیاریها چطور بختیاری شدند را بگویم؟" قبلا هم در سریال "سال های مشروطه" بجز جریان اسلامی به رهبری شیخ فضل الله نوری بقیه نحله های فکری در مناطق مختلف، مورد حمله قرار گرفته و امکانی برای مخالفین هم وجود نداشت و ندارد که تفسیر دیگری از آن وقایع را بیان کنند. اینبار هم داستان همان است در این سریال همه اشتباه کرده، خیانت کرده و عامل این و آن دولت بوده اند بجز جریانات اسلامی. بنابر باید انتظار داشت که احساسات تحقیر شده و فروخته مردم بالاخره يك روزی بروز علنی پیدا کند و فریاد بزنند تا شاید کسی صدایشان را بشنود.

اما افراد و جریاناتی که خود را چپ مینامند و به جای مقابله با رژیم اسلامی و دفاع از حرمت و حیثیت مردم به مقابله با اعتراض این مردم

میدارزند، کمترین چیزی که باید به آنها گفت این است: دوستان سوراخ دعا را گم کرده اید. کسی که نقش دولت را در این تحقیر و توهین و تفرقه افکنی نادیده میگیرد و علیه مردم می ایستد باید به تفکر و سیاست او شك کرد. اشکال از مردم نیست. مردم این منطقه نه قوم بوده اند و نه خود را قوم تعریف میکنند. در ضمن حتی طبقات حاکم و دارای این منطقه در دوران قاجار و سلطنت و اکنون جمهوری اسلامی هم همیشه در حاکمیت و دولت نقش داشته و برخلاف مناطق دیگر هیچوقت احساس قومی نداشته و خود را در حاشیه ندیده اند. فقط کسانی که شناختشان از قومگیری و ناسیونالیسم و حتی مبارزه و کمونیسم و تاریخ و... به جغرافیای کردستان محدود است میتوانند این مردم معترض را به قوم خاصی نسبت بدهند.

بنابر این اگر مشکلی هست، اشکال از محدودنگری و محلی گرایی چپی است که مردم معترض به سیاست رسانه دولتی را قومپرست مینامد. این نوع چپ نه تنها کمونیسم را نمایندگی نمیکند حتی سیاست مدرن بورژوایی قرن حاضر در غرب را هم نمیشناسد. این سیاست منافع هیچ قشری از جامعه را نمایندگی نمیکند. يك سکت ایدئولوژیک است و بس. سیاست آنها اورادی مذهبی گونه و کتابی است که میخوانند و به اطراف خود فوت میکنند که شیطان آنها را به بیراهه نبرد.

به احتمال قریب به یقین اگر این مردم لباس کردی به تن داشتند، با چنین برخوردی از جانب این چپ مواجه نمیشدند. چرا که ما شاهدان زنده برخورد این دوستان به مبارزات مردم سلیمانیه در چند سال قبل بودیم. يك حرکت اعتراضی گسترده در کردستان عراق شروع شد که در آن حرکت جریانات اسلامی در کنار ناسیونالیستهای کرد نقش اصلی و رهبری کننده آن را در دست داشتند. جریان "گوران" که جناح راست اتحادیه میهنی بود و آخوندهای با

عمامه و بی عمامه هم نه فقط در میان معترضین، بلکه در راس آن اعتراض بودند. با این وجود هیچ کس به خود اجازه نداد این حرکت را که با حضور هزاران نفر مردم منتقد

به حکومت ناسیونالیستی "هریم" در کردستان عراق شروع شده بود مارک "اسلامیستی" و یا قوم گرایی بزند. آن وقت همین چپ مورد بحث ما به درست از آن اعتراضات دفاع کرد.

همه به درست گفتیم که مردم مشکل و معضل و انتقاد دارند و آمده اند خشم خود را بیان کنند و گوران دست در دست اسلامیها میکوشد این حرکت را به بیراهه ببرد. هر کس میخواهد کمک کند باید وارد گودی استخر شود و دست از نصیحت و یا تخطئه مبارزه مردم بردارد. کمونیستهای عراق به درست تلاش کردند نقش خود را در آن اعتراضات ایفا کنند.

این چپ مورد بحث یعنی "حکمیست های قدیم و جدید" برخلاف آن دوره امروز مبارزات مردم را هدف حمله قرار داده اند.

زیرا هنوز آن ویروس خفته نوع رزم انقلابی در بدنش هست و هر از چند گاهی بیدار میشود و تفکر این چپ را مختل میکند. فاکتور دیگر اینست که چون مردم غیر کرد در جنوب و مرکز ایران لباس دیگری غیر از لباس کردی بر تن دارند، و این دوستان ارتباط نزدیک و شناخت و یا احساس نزدیکی با این مردم ندارند، به خود اجازه میدهند آنها را قومگرا و قومپرست خطاب کنند.

خوشبختانه این اوراد ایدئولوژیک و مذهبی گونه در میان مردم جایگاهی نتوانسته پیدا کند و به گوش جامعه هم نمیرسد. جامعه هم این تفسیر از کمونیسم و این جزل و ولز چپ محدودنگر و محلی گرا را به پای کمونیستها نمی نویسد. قد و قواره و وزن سیاسی این چپ پراکنده و غیر سیاسی ناشی از همین ذهنیت و دنیای کوچک او است. در جریان این اعتراضات دهها نفر دستگیر و روانه زندان شدند و این چپ دعا میکند که مردم هر چه زودتر سرکوب بشوند تا با خوشحالی اعلام کند سیاستش موفق شده است. قبلا در سال ۸۸ هم همین کار را کردند.

يك نکته مهم در این مباحثات که قبلا هم شاهد آن بودیم، پرچم خنده دار دفاع از آزادی بیان حکومت فاشیست اسلامی است که

بعد از پخش سریال تلویزیونی "سرزمین کهن" از تلویزیون جمهوری اسلامی و تحقیر و توهین به مردم منتسب به بختیاری، بخشی از مردم شهرهای جنوب و مرکز ایران دست به اعتراض زدند. هزاران نفر از مردم منجز از حکومت اسلامی که سالها است نان شب آنها به گرو گرفته شده، نمیتوانند هیچ جا آزادانه حرف دلشان را بزنند، از فقر و نداری و بیکاری و سرکوب جانشان به لب رسیده است. این بار در خیابانها در مقابل حکومت تا دندان مسلح اسلامی، رژه رفته و شعار دادند. يك خواست در این حرکت مطرح بود، ضرغامی استعفا بدهد و صدا و سیما رژیم اسلامی از مردم معذرت خواهی کند. هر کس که يك ذره درد و خشم از رژیم اسلامی و صدا و سیما کثیف اش در دل داشت، خواهان پیشروی و پیروزی این حرکت و مالیدن پوزه ضرغامی و شرکا در این ماجرا بر خاک بود.

در میان هیاهو و گرد و خاک ناشی از حمله پاسداران و شکنجه گران اسلامی به جوانان، یکبارہ ما يك صدای دیگری را در تاریخکی و ته تونل هم شنیدیم، صدای سوت پایان این اعتراضات از سوی تعدادی که خود را "چپ" مینامند. ما شاهد چهره های خشمگین تعدادی بودیم که رو بسوی مردم کرده و از آنها میخواستند که ضمن انتقاد از خود فوراً به خانه هایشان بروند. زیرا از منظر آنها اعتراض مردم علیه تحقیر و توهین رسانه دولتی هم قومپرستی است و هم آزادی بیان و اینجا آزادی بیان صدا و سیما را زیر سوال میبرد!!

باور کنید به همین سادگی و به همین صراحت جیغ و دادها را

## دفاع از آزادی ...

از صفحه ۵

در دست تعدادی از این دوستان به اهتزاز در آمده است. اینکه در دنیا همه باید آزاد باشند حرف دلشان را بزنند و در مقابل فاشیستها و دیکتاتورها و سرکوبگران باید از حق بی قید و شرط آزادی بیان دفاع کرد، اما اینجا ما با نوعی از چپ مواجه هستیم که به دفاع از آزادی بیان رسانه های خامنه ای برخاسته است. این دیگر نه سیاست چپ و یا راست بلکه اقدامی عجیب است که توضیحش ساده نیست. این اقدام اخیر مردم شهرهای جنوب ایران شبیه اعتراض مردم به هنرمندان و کارهای هنری دوران هیتلر است که در دفاع از قتل عام میلیونها مردم منتسب به یهودی تولید میشد و بسیاری از آنها بعد از

هیتلر هم هنرمندانی نامدار بودند. در مورد ایران کسی که در مقابل مردم به دفاع از حق آزادی بیان صدا و سیما میپردازد، باید به پای چه چیز نوشته شود؟ بی خبری؟ بی دردی؟ ایدئولوژیک بودن؟ ندیدن و نشناختن فاشیسم اسلامی؟ چه چیز؟ اینها که با بحث آزادی بیان به مقابله با اعتراض مردم آمده اند قباحت سیاست شان مشمیز کننده است. در حالیکه بحث آزادی بیان بیربط ترین موضوع در این مورد است. زیرا اولین سوال این است آزادی بیان برای کی؟ اینجا دو طرف دعوا مردم و دولت هستند. زیرا نقش يك رسانه دولتی مورد اعتراض است و دولت در مقابل مردم قرار گرفته است.

کسی که مردم را محکوم میکند و از آزادی بیان دم میزند، بخواهد و نخواهد دارد در دفاع از آزادی بیان رسانه دولتی حرف میزند. این مسایل ایزکتیو هستند. اینکه در رسانه دولتی چه کسی این حرف را زده است برای مثال قبلا يك کاریکاتورست بوده و امروز يك کارگردان سریال تلویزیونی و بازی کنان آن تفاوتی ندارد. مهم نیست که آن افراد اکنون و یا بعدا به چه فکر میکنند و در چه نقشی ظاهر میشوند. مهم نیست سیاست فردی آنها چیست. مهم این است که يك رسانه انحصاری در دست دولت مردم را تحقیر کرده است. این رسانه از هر کسی استفاده میکند که سیاست و فرهنگ دولت حاکم را محق جلوه بدهد. و اینجا مشخصا اسلامیسم را محق قلمداد کند. مردم به این

پاسخ و تفسیر خود را بیان میکردند. اما در ایران همه میدانند که چنین امکانی برای مردم وجود ندارد. بنابراین دولت نمیتواند ذهن يك جامعه را ببندد و در رسانه دولتی یکطرفه تفسیر و تعبیر رژیم حاکم را به خورد مردم بدهد و بخشهایی از همین مردم را تحقیر کند و اگر دست به اعتراض زدند مبصرها بیایند مردم را محکوم کنند.

سیاستی که به جای دولت و حکومت، مردم را مقصر قلمداد میکند، اگر آگاهانه و عمدی نباشد نهایت بلاهت و سفاهت است.

محمد آسنگران

۲۴ فوریه ۲۰۱۴

## اینجا تهران است: سیغه ساعتی ۱۰۰ هزار تومان

سایت قانون آنلاین گزارشی از سایت ازدواج موقت تهران منتشر کرده است که در آن با مدیر این سایت هم گفتگو شده است. در شبکه اجتماعی فیس بوك و توئیتر وبلاگی معرفی شده با عنوان «مرکز رسمی ازدواج موقت تهران» و سریع در صفحات تعداد زیادی از کاربران این شبکه ها به اشتراك گذاشته شد و نظرات مختلفی در رابطه با آن مطرح شد.

زمانی که وارد این وبلاگ می شوید عنوانی با مضمون «این وبلاگ در ستاد ساماندهی وزارت ارشاد به ثبت رسیده است» خودنمایی می کند و در معرفی آن آمده است که «مرکز رسمی ازدواج موقت جامعه مجازی پیوند (زوجیابی) تهران» و به کاربران اطمینان داده می شود که «خدمات مربوط به ازدواج موقت، خدمات خصوصی تلقی شده و اطلاعات مربوط به آن در اختیار هیچ ارگان یا سازمان دولتی قرار نمی گیرد و در هیچ کجا (بجز این مرکز) ثبت نمی شود و برای مخاطبین مشکل ساز نخواهد بود.»

در مورد زمانی که در این سایت معرفی شده اند هم آمده است: «خدمات این مجموعه در زمینه ازدواج موقت فقط شامل خانم های

مطلقه و بیوه می شود.» - مدیر سایت از نیت خیر خود برای کمک به جوانانی که مشکل ازدواج دارند سخن گفت و ادعا کرد با وجود اینکه توهین هایی بسیاری به وی شده، همچنان در ادامه این مسیر مصر است. او از برنامه هایش برای فراگیری این مسئله طبق اصول و شرع در سایر استان ها سخن می گوید و مشکل اصلی خود را ناتوانی در پاسخگویی به همه مراجعہ کنندگان عنوان می کند. او از فعالیت این مرکز زیر نظر یکی از دفاتر ثبت ازدواج و طلاق و مشورت با فردی روحانی و یک حقوقدان صحبت کرد.

- او در پاسخ به این پرسش که آیا این خانمها «عده» نگه می دارند گفت: «در این مرکز بیشتر از زنان یائسه استفاده می شود و اگر خانمی هم یائسه نباشد، شرط عدم دخول گذاشته می شود تا عده به آن تعلق نگیرد.»

- زمانی که از او در مورد قیمت های مندرج در سایت سوال پرسیده می شود، با تاکید خاصی از آن به عنوان مهریه یاد کرده و ادامه می دهد: «مرکز ما به خاطر معرفی و ارتباط مراجعہ کننده با خانم ۴۰ هزار تومان دریافت می کند که خودمان هم قبول داریم رقم بالایی

دارند که بی خبر از این موضع هستند.»

- «ما کار خلاف شرع و قانون انجام نمی دهیم و نیتمان خیر است و معتقدیم که خدا هم در این راه ما را کمک خواهد کرد. اما متاسفانه این گونه مسائل در جامعه ما فرهنگ سازی نشده و برخورد های بدی با موضوع می شود. مردم بین این کار و کار حرام زنا تفاوتی قائل نمی شوند و ما را به برخی مسائل متهم می کنند. از این توهین های بسیاری که به ما می شود بیزارم و نگرانی در مورد فیلتر کردن سایت یا برخورد قضایی ندارم چرا که طبق دین و شرع عمل می کنم، ضمن اینکه از مشاوره های حقوقی هم بهره مند هستیم.»

- «اکثرا خانمها فقط يك بار صیغه این مردان می شوند به همین دلیل بیش از ۶۰ الی ۷۰ درصد از مردان مراجعہ کننده با خانم های دیگر مرکز نیز قرار ملاقات گذاشته و صیغه یکدیگر می شوند.»

IranPressNews

و در رابطه با چگونگی آشنایی با آنها توضیح می دهد: «این خانمها توسط دفاتر ازدواج و طلاق به ما معرفی می شوند. به خاطر تعداد اندکشان ما با مشکلاتی مواجه شده ایم و از دفاتر خواسته ایم اگر موردی سراغ دارند به ما معرفی کنند و در سایت خودمان اعلام کرده ایم که اگر زنی مطلقه است و شرایط آن را دارد برای رضای خدا و رفع مشکل جوانان با ما همکاری کند. به خاطر همین تعداد کم خانمها و تقاضاهای بسیار، یکی از خانمها تا مدت ها وقت ندارد و برای خانم های دیگر نیز باید چند روز دیگر وقت داد.»

- «این خانمها مشکلات مالی و نیاز جنسی دارند، اما بیشتر به خاطر مسائل مالی با ما همکاری می کنند هر چند که برخی از آنها با وجود اینکه کارمند بوده و در سن یائسگی هستند به خاطر اعتقادات و کمک به جوانان با ما همکاری کرده و بعضا قرار ملاقات در منازل خودشان است. آنها فرزندان بزرگسال

است و سعی در کاهش آن داریم. اما خانم هایی که با ما همکاری می کنند مهریه های مختلفی را با توجه به ویژگی های که برخوردار هستند مد نظر دارند که از ۴۰ هزار تومان شروع می شود تا ساعتی ۱۰۰ هزار تومان.»

- مدیر این سایت، این اقدام را به خاطر اینکه طبق اصول و شرع اسلام است در راستای بحث خانه عفاف می داند و در خصوص تعداد مراجعان می گوید: «استقبال از این کار بالا بوده و تماس هایی که با مرکز گرفته می شود بسیار زیاد است. گاهی اوقات ما را کلافه می کنند، اما می توان گفت در روز برای ۲۰ مراجعہ کننده قرار ملاقات صورت می گیرد. اکثر ملاقات کنندگان در رنج سنی ۲۳ تا ۲۸ سال هستند و اغلب تهرانی یا دانشجوی در تهران هستند، هر چند که میهمان از شهرستان هم داریم.»

- او از همکاری چهار خانمی که هم از لحاظ اعتقادی و هم از لحاظ سلامت تایید شده هستند سخن گفت

## اساس سوسیالیسم انسان است.

## سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## هشت مارس روز اتحاد علیه آپارتاید جنسیتی



هشت مارس روز جهانی زن را باید به روز اتحاد سراسری برای برکنند ریشه آپارتاید منحوس جنسیتی توسط حکومت اسلامی تبدیل کنیم. جمهوری توحش اسلامی باید گورش را گم کند. این حکومت وصله ای ناجور و نجسب به تن بشریت است.

۳۵ سال است که جنگی آشکار و نهان در مقابل سیاستهای ضد زن ارتجاع از گورپر خاسته حاکم در ایران در جریان است. این پژواک جنبش رهایی زنان است که در داد و فغان هرروزه کار بدستان فسیل حاکم از برباد رفتن اسلام و حجاب و "عفاف

اسلامی" بازتاب می یابد. این پژواک مقاومت زنان و دختران است که حاکمین اسلامی و دولت "امید و اعتدالشان" را وامیدارد که هرروز طرحی تازه برای کنترل زنان و دختران و حتی کودکان تحت عناوین "طرح محرم سازی مدارس" و طرح "عالی خانواده" و "طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها" و "طرح عفاف و حجاب" پیش بکشند و لشکر مزدور اسلام را برای کنترل زنان و دختران به خیابانها بکشاند. اینان طی این ۳۵ سال بهمراه تمام جنایات دیگر، شقاوت و جنایات غیر قابل وصفی در حق زنان و دختران مرتکب شده اند. اما هرروز زنان را در زنجیر و قید و بندهای وحشیانه و عقب مانده اسلامی به بند بکشند. هر روز و هر لحظه در جایی از این مملکت زنانی پا به میدان میگذارند و قوانین و خط

قرمزهای این حکومت را به سخره میگیرند. بی حجابی و "بدحجابی" در خیابانها، تجمعات و مهمانیها و جشنهای مختلط زن و مرد، درگیر شدن زنان با ماموران "امر به معروف و نهی از منکر"، طومارهای اعتراضی علیه طرحهای ضد زن رژیم، مقاومت دانشجویان دختر و پسر در برابر جداسازیها، هجوم دختران به سوی ورزشگاهها، و تن ندادن به جداسازیها در اماکن عمومی و امثال اینها گوشه کوچکی از آن مبارزه و مقاومت گسترده ای است که علیه حکومت آپارتاید جنسیتی در ایران هرروز و هر لحظه در جریان است.

### زنان و مردان آزاده!

هشت مارس امسال را باید به روز عزم و اتحاد برای گسترش هرچه بیشتر این موج مقاومت تبدیل

کنیم. زن و مرد اعلام کنیم که ستم و تحقیر و تبعیض و آپارتاید جنسی را نمی پذیریم. نشان دهیم که به این حد از مقاومت و مبارزه قانع نیستیم و همگی مصممیم به کل سیستم پوسیده ضد زن در اشکال مختلف هجوم ببریم. آپارتاید جنسی در اول قرن بیست و یکم ننگ بشریت است. باید هرچه زودتر آنرا از ریشه کند و به زیاله دان انداخت.

هشت مارس روز ماست. فضای هشت مارس را باید در سراسر جامعه جاری کرد. این روز را در همه جا و به هر شکلی که میتوانیم گرامی بداریم. باید این روز را به خاری در چشم حاکمین اسلامی سرمایه تبدیل کنیم. از هم اکنون به استقبال هشت مارس بروید! هر جا که میتوانید تجمع کنید! جشن بگیرید! میتینگ و سخنرانی بگذارید. قطعنامه و بیانیه بدهید. از حرمت و منزلت زنان دفاع کنید! به آپارتاید جنسیتی اعتراض کنید. به طرحهای ضد انسانی نظیر "طرح

تعالی خانواده" و "طرح ازدواج با دختر خوانده" و طرح تفکیک جنسیتی و ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه اعتراض کنید و خواهان لغو همه این طرحهای عهد عتیقی و ضد انسانی شوید! حجاب اسلامی را دور بیندازید! اعلام کنید که زن و مرد انسانند و در همه حقوق و شئون اجتماعی با هم برابرند.

با شعار نه به تبعیض و نابرابری، نه به آپارتاید جنسیتی و حجاب اسلامی، پرچم رهایی زن از قوانین و سنتها و کل حکومت اسلامی سرمایه داران را بلند کنیم و با صدای رسا از حقوق برابر زن و مرد دفاع کنیم.

زنده باد هشت مارس  
روز جهانی زن

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ بهمن ۱۳۹۲  
۱۸ فوریه ۲۰۱۴

همه شما سازمانها، احزاب و مردم مترقی و ضد اعدام فراخوان میدهند هر آنچه در توان دارید بکار ببرید و نگذارید این جنایت اتفاق بیفتد.

باید با تمام قوا علیه اعدامها در ایران و علیه اعدام این دوجوان به میدان آمد.

کمک کنید نگذاریم زانیار و لقمان مرادی را اعدام کنند!

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۲ فوریه ۲۰۱۴

انتقال لقمان مرادی ساعت ۶ صبح فردا به بهانه حضور در دادگاه موجی از نگرانی را دامن زده است. تعدادی میگویند بهتر است لقمان با آنها نرود و مقاومت کند، تعدادی هم میگویند به هر طریقی شده او را خواهند برد. زندانیان با کمیته بین المللی علیه اعدام تماس گرفته و گفته اند فوراً این خبر را پخش کنید. زندانیان میگویند امشب رجایی شهر نخواهد خوابید. باید کاری کرد! افشاگری کنید! به نهادهای بین المللی خبر دهید، میتینگ و اعتراض سازمان دهید نگذارید زانیار و لقمان را بکشند. کمیته بین المللی علیه اعدام به

## از بلندگوی زندان همین الان اعلام کردند، که لقمان را فردا ساعت ۶ صبح خواهند برد!

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات



متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تشبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



است. زندانیان بشدت نگران زمینه چینی برای اجرای حکم اعدام این دو جوان زانیار و لقمان مرادی هستند! در زندان رجایی شهر پخش خبر

دادگاه او را میبریم و زندانیان که این حکومت را می شناسند، میگویند این یک روش برای انتقال زندانیان محکوم به اعدام به سلول انفرادی

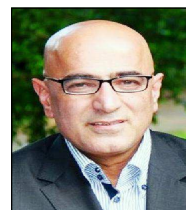
از بلندگوی زندان اعلام کردند، فردا یکشنبه ۴ اسفند ماه لقمان مرادی را ساعت ۶ صبح خواهند برد. مزدوران رژیم میگویند برای

### خبر تکمیلی از وضعیت حسن رسول نژاد عضو کمیته هماهنگی

به گزارش رسیده حسن رسول نژاد که در روز ۳۰/۱۱/۹۲ در اطراف شهر بوکان در محل کارش به وسیله چند نفر لباس شخصی ناشناس بازداشت و به جای نامعلومی انتقال داده شده بود اکنون با پیگیری اعضای خانواده مشخص شد که نامبرده به وسیله نیروهای اداراطلاعات شهر

پنج سال زندان محکوم شده اند. به گفته رشید افشاری برای آزادی جعفر و ولی افشاری وثیقه ۵۰۰ میلیونی برای هر کدام تعیین کرده اند. وی میگوید، آنها به دلیل مشکلات مالی قادر به تهیه این وثیقه نیستند. این چهار زندانی سیاسی هم اکنون در زندان مرکزی ارومیه نگهداری می شوند. رادیو زمانه

گفته رشید افشاری این دو زندانی چند ماه پیش طی نامه ای از مقامهای قضایی درخواست دادرسی دوباره کرده بودند. پیشتر گفته می شد که حکم اعدام این دو برادر لغو شده است. طبق خبرهای منتشر شده، دو سال پیش حبیب افشاری و علی افشاری به اتهام محاربه و عضویت در یک حزب کردی به اعدام محکوم شدند. دو برادر دیگر آنان به نامهای جعفر افشاری و ولی افشاری به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به



رشید افشاری، برادر این دو زندانی سیاسی به زمانه گفت: "روز ۲۶ بهمن ماه خواهرم به ملاقات برادرانم رفته بود و مطلع شد که حکم اعدام آنان قطعی شده است." به

### نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودببینان

### حکم اعدام آنها قطعی شده است

خانواده علی افشاری و حبیب افشاری، دو زندانی سیاسی میگویند، حکم اعدام آنها قطعی شده است.

از صفحه ۷

## نگاه هفته ...

بوکان بازداشت و در آن اداره به سر می برد. سال گذشته نامبرده بعد از شرکت در مجمع عمومی در ۲۶ خرداد ۹۱ از طرف اداره اطلاعات بصورت تلفنی احضار شد اما از حضور در اداره مذکور خودداری نمود و حال به اتهام حضور در مجمع يك سال گذشته و سرپیچی از حضور در اداره اطلاعات وی راباز داشت نمودند. کمیته هماهنگی ضمن محکوم کردن بازداشت این عضو خود خواهان منع تعقیب و بازداشت کلیه کارگران و فعالین کارگری می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

## باهداف اتحاد و کار مشترک و شادی عمومی

روز جمعه ۲/۱۲/۹۲ جمع کثیری از اهالی روستاهای تفین، پالنگان، وزیر، سریز، گواز، سرخه توت (سوره تو)، ژئین، بیساران، چشمیدر، بوریدر، هشمیز و سرهویه در روستای تفین از توابع کامیاران مراسم سال نو و عید نوروز را برگزار کردند. هرساله کارگران و زحمتکشان و دهقانان و اهالی روستاهای مذکور در اواخر سال باهدف اتحاد و کار مشترک و شادی عمومی و جمعی بین روستاهای اطرافشان اقدام به برگزاری اینجشن و مراسم می نمایند. در خلال رقص و شادی و پذیرایی نیز جمع هایی با بحثهایی پیرامون مشکلات روستاها و روستانشینان برپا می شود که امسال با حضور جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری بحثهایی پیرامون مسائل جنبش کارگری و مسأله ی سرکوب کارگران معترض و فعالین کارگری در بند و مسأله ی تعیین دستمزد نیز ارائه شد. در ادامه ی مباحث بر ضرورت توجه به نیروی زنان در جنبش های حق طلبانه و همچنین ضرورت امر تشکل یابی و ایجاد تشکلهای مستقل و حفظ اتحاد بین آنها با عنوان راه نجات و راه رهایی طبقه کارگر تأکید شد که با استقبال حاضرین مواجه گردید. مراسم با

## نایدید شدن حسن رسول نژاد از اعضای کمیته هماهنگی

به گزارش رسیده روز چهارشنبه ۳۰/۱۱/۹۲ حسن رسول نژاد فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از محل کار خود در یکی از محلات شهر بوکان توسط چند نفر لباس شخصی ربوده شد و تا به الان نیز خبری از وی در دست نیست. لازم به ذکر است که این فعال کارگری سال گذشته از طرف اداره اطلاعات شهر بوکان به وسیله تلفن احضار شده بود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ۱ اسفند ۱۳۹۲

## به علت گاز گرفتگی جانش را از دست داد

۲ اسفند: زن جوان "یادگار" ۲۳ ساله و ساکن شهرستان پیرانشهر در استان آذربایجان غربی به علت گاز گرفتگی جانش را از دست داد. یادگار دختر امین که ساکن شهرستان سردشت بوده است، یکشنبه شب و به علت گاز گرفتگی در منزل مسکونی خود واقع در پیرانشهر جانش را از دست داده است.

## دریافت وجه نقد از دانش آموزان

اداره آموزش و پرورش شهر پیرانشهر در بخشنامه ای به مدیران مدارس هشدار داده، اگر طبق قبضه های دریافت کرده، وجه نقد از دانش آموزان دریافت نمایند و به حساب آموزشگاه واریز نکنند، شخص مدیر آموزشگاه باید این مقدار وجه نقد را به حساب آموزشگاه واریز نماید. اداره آموزش و پرورش در این بخشنامه به مدیران مدارس اعلام کرده است: "در راستای دریافت وجه نقد از دانش آموزان و همچنین تهیه قبوض اقدامی انجام ندهد و به همین دلیل باید در اسرع وقت در این ارتباط اقدام نمایند."

## در مقابل شهرداری اشنویه اعتصاب کردند

چهارم اسفندماه تاکسیداران

شهر اشنویه به نشانه ی اعتراض و ناراضیاتی به "افزایش عوارض، کمی نرخ کرایه تاکسی و گران بودن قیمت گاز" CNG، در مقابل شهرداری این شهر اعتصاب کردند. یکی از رانندگان تاکسی: جایگاه گاز "سی.ان.جی" علاوه بر اینکه روزانه با مشکل مواجه است، هر روز نیز شاهد افزایش نرخ چنین گازی در سطح شهر و جایگاه های آن هستیم. هم اکنون نرخ هر متر مکعب گاز سی.ان.جی، بیش از ۳۱۰ تومان می باشد و احتمالاً طی هفته های آینده به از ۳۵۰ تومان فراتر رود. "مسئولان شهرداری وعده تحقق خواسته های رانندگان را دادند و تجمع اعتراضی پایان یافت، اما رانندگان تاکسی نسبت به این وعده شهرداری خوش بین نیستند." رانندگان تاکسی به مسئولان شهرداری اشنویه گفته اند که در صورت عدم تحقق خواسته هایشان، در مقابل درب شهرداری، دست به اعتصاب گسترده خواهند زد.

## افزایش نرخ کرایه تاکسی

در شهر سقز نرخ کرایه تاکسی به میزان ۱۷ درصد افزایش یافته است. این افزایش بنابه دستور تاکسیرانی سقز و از، پنجم اسفندماه اعمال می شود

## بازداشت و به مکان نامعلومی

نیروهای اطلاعاتی حکومت اسلامی ایران تعدادی از شهروندان ساکن روانسر را به اتهام عضویت و همکاری با احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. بازداشت شدگان: آرام سلیمانی ۲۴

ساله فرزند سلیم، مهدی ویسی ۳۰ ساله فرزند حیدر و همچنین شاهرخ و شاپور (برادر) فرزند سعید اعلام شده.

## اقدام به خودکشی

محمد غلام رضایی فرزند علی و ساکن روستای "توریور" از توابع منطقه ژاورود سمنان به دلیل آنچه "اختلافات خانوادگی" خوانده می شود اقدام به خودکشی کرد. این جوان بیست ساله روز جمعه دوم اسفندماه اقدام به خودکشی نمود و هنگام انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

## کنترل شهر

نیروهای سپاه پاسداران در شهر اشنویه و روستاهای حومه با سلاح های سنگین مستقر شده و با افزایش اماکن ایست و بازرسی، رفت و آمد مردم را شدیداً کنترل می کنند. گفته می شود که شمار زیادی از نیروهای امنیتی با لباس شخصی در سطح شهر و کوچه ها پخش شده و شهروندان را بازرسی می کنند که باعث نگرانی و اعتراض مردم شده است.

## ضرب و شتم و دستگیری کولبران

یکم اسفندماه: یک کولبر به نام "رجب شیخانی" از سوی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران ضمن بی حرمتی بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار گرفت. پیشتر نیز سه کولبر ساکن شهر پاوه به نام های زکریا محمدی، دیدار قادری و لقمان نازی از سوی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران بازداشت شده بودند و دستگاه قضایی حکومت در شهرستان پاوه برای آزادی این سه کولبر درخواست تودیع وثیقه ۹۰۰ میلیون تومانی کرده بود.

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشر به ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!